

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

نویسنده: پیه اسکوبار
برگردان از: حمید محوی
۰۸ جنوری ۲۰۱۸

چرا در ایران انقلاب نخواهد شد؟

برای دگرگونی رژیم احتمال اندکی وجود دارد، ولی به جای آن زمینه سازی برای مجازاتهای اقتصادی تازه در شرف تکوین است.



رئیس جمهور ایران حسن روحانی آنچه را که باید می گفت در تلویزیون گفت و دست کم در دورانی که چگونگی جایگاه اقتصادی بحران زده و انباشته از دشواریهاست، خشم مردم را به رسمیت شناخت. تورم تا ۱۲٪ افزایش یافته، ولی نسبت به آغاز نخستین دور ریاست جمهوری روحانی ۴۰٪ کاهش داشته است. و افزایش تا ۴۰٪ بهای بنزین و مواد خوراکی به این وضعیت کمکی نکرده است.

آنچه به بودجه تیم روحانی در سال ۲۰۱۸ مربوط می شود، کاهش یارانه ها برای قشرهای فقیر است که یکی از ویژگیهای دولت پیشین احمدی نژاد بود. سپس، باید از میزان بی کاری نزد جوانان یاد کنیم که پیرامون ۳۰٪ در نوسان است. به تازگی رقم های مشابهی منتشر شده که مربوط به چگونگی جایگاه اسپانیا می شود که البته یکی از اعضای اتحادیه اروپا است. بی گمان آمار منتشر شده نشان می هد که چرا بیشتر پرخاشگرانی که به خیابان آمدند زیر ۲۵ سال داشتند و برآمده از طبقه کارگر و تهیدست بودند.

ولی آنچه را که روحانی می توانست با موشکافی و گسترش بیشتری برای ایرانیان توضیح دهد (که متأسفانه توضیح نداده است) نتایج مستقیم چگونگی جایگاه اقتصاد کنونی و فشاری ست که کشور به دلیل مجازاتهای امریکا تحمل می کند.

مجازات‌ها در پیوند با تهدید مالی علیه شرکت‌های غربی ست که از هم اکنون با ایران داد و ستد می‌کنند و پویا هستند، و یا دست کم داد و ستد با این کشور را در برنامه خود دارند.

پس از امضای توافق همگانی در زمینه امور هسته‌ای ایران در پایتخت اتریش در سال ۲۰۱۵، روحانی پیمان بسته بود که این رویداد به گسترش کار و بهبودی جایگاه اقتصادی ایران خواهد انجامید.

ولی چنین گسترشی تحقق نیافت، و راه پیمائی بدرستی مشکلات اقتصادی را آشکار کرد و نشان داد که هرگز برطرف نشده است. و بدرستی باید دانست که نگاره این دشواری‌ها از ده‌ها سال پیش در چهره ایران نقش بسته است.

اگر آزمون جمهوری اسلامی در جایگاه «دین سالاری با ویژگی‌های دموکراتیک» را در نگریم، آنچه بیش از همه شگفت آور به چشم می‌آید، ژرفای ریشه‌های آن در کشور است.

من این نکته را در سفرهای بی‌شماری که به ایران داشتم دریافتم، به ویژه در رابطه با بسیجی‌ها یا شبه ارتشی‌های داوطلب. بسیجی‌ها در همه وجوه زندگی اجتماعی جذب شده‌اند، در سندیکاها و انجمن‌های دانشجویی و گروه‌های کارمند دولتی.

بر این پایه، همانندی برجسته‌ای با چین را نشان می‌دهد، یعنی کشوری که حزب کمونیست حتا در بافت اجتماعی ریشه دوانده است.

در صحبت با جوانان در شهرهایی مانند کاشان یا مشهد دریافتم که جمهوری اسلامی تا چه اندازه از پایگاه مردمی برخوردار است. بی‌گمان مصاحبه با آنان برای من خیلی سودمند تر از نشستن پای سخن آیت الله‌های قم بود.

با وجود این، آنچه امروز در ایران روی داده، تظاهرات به حقی بوده که علیه دشواریهای اقتصادی به راه افتاد ولی از سوی عناصرِ مظلونِ همیشگی (که مانند همیشه نیز در پی فرصت مناسب به کمین نشسته‌اند) برای نفوذ اقلیت ریبوده شد. با این وصف، دولت روحانی لیبرال است، در مقایسه با دولت احمد نژاد که پوپولیست بود.

در نتیجه، آنچه می‌بینیم تلاشی تمرکز یافته برای به کژ راه بردن راه پیمائی به حق و قانونی به یک جنبش «انقلابی» در راستای براندازی رژیم است. و در صورت نیاز، احتمالاً تبدیل آن به جنگ داخلی.

ولی خیلی بسادگی می‌توانیم بگوئیم که چنین طرحی شدنی نیست. هر کسی که ایران و جامعه مدنی ایران را بشناسد می‌داند که خیلی ماهرتر از آنند که خود را در دامی تا این اندازه ابتذال آمیز و آشکار گرفتار کنند.

برای درک روشن از نفوذ خارجی، باید به مصاحبه محمد مرنندی از دانشگاه تهران، دانشگاهی اصیل، با یکی از کارمندان دیرین بی‌بی‌سی در شبکه تلویزیون قطری الجزیره گوش فرا دهید. در واقع، آنچه مسلم است، این است که عناصر خارجی در پی برانگیختن پرخاشگران و نفوذ در جنبش خیابانی هستند. این لحن که «دنیا شما را نگاه می‌کند» به این هدف بود که تهران را در پاسخگویی اش بترسانند.

همان گونه که روحانی اعلام کرد باید خشونت را سرکوب کرد. تصور کنید چنین سطح خشونتی که در خیابانهای ایران به راه افتاد در خیابانهای فرانسه یا آلمان روی می‌داد، در این صورت واکنش پولیس چه می‌بود؟

احتمال دگرگونی رژیم بسیار ناچیز است، ولی آنچه در شرف تکوین می‌باشد، زمینه سازی برای تجدید مجازات‌های اقتصادی علیه ایران است. در این صورت، شاید اتحادیه اروپا نیز با آن همراه شود، ولی امیدوار باشیم که اروپائی‌ها در چنین دامی نیفتند.

در هر صورت، تهران برای افزایش کُنش‌هایش در اوراسیا از راه ابریشم نوین چینی و پیمان اقتصادی اوراسیا آماده شده است.

سر انجام، بستگی به تیم روحانی خواهد داشت که برای کاهش باری که روی دوش اقتصاد ایران سنگینی می کند دست به کار نوآوری بزنند.

گاهنامه هنر و مبارزه/پاریس/ ۷ جنوری ۲۰۱۸

لینک متن اصلی :

<https://www.mondialisation.ca/pourquoi-il-ny-aura-pas-de-revolution-en-iran/5622064>

مرکز پژوهشهای جهانی سازی، ۵ جنوری ۲۰۱۸